خارج اصول

جلسه46 \* دوشنبه 25/ 9/ 98

موضوع: اقسام واجب

­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­کلام در عبادیّت و ثواب داشتن طهارات ثلاث بود. کلام محقّق نائینی گفته شد؛ ایشان فرمود: در باب طهارات ثلاث امر نفسی منحلّ می شود به اوامر متعدّد؛ برخی تعلّق می گیرد به أجزاء ماموربه و برخی به شرایط ماموربه.[[1]](#footnote-1)

این کلام نسبت به بقیه ی اقوال، اشکالات کمتری دارد. لکن نیاز به چند دفع دخل مقدّر دارد. زیرا اشکالاتی ممکن است بر این قول وارد شود.

اشکال اوّل

امر نفسی بماهو امر نفسی، صلاحیّتی برای تبدیل ماموربه به عبادت ندارد یعنی نمی تواند متعلّق خود را تبدیل به عبادت کند ؛ زیرا معنایش این است که باید قصد امتثال امر را در متعلّق امر لحاظ کنیم که این مستلزم دور است. زیرا اگر بخواهد با امر، قصد امتثال را برای متعلّق واجب کنیم، متوقّف بر آن است که متعلّق، قبل از امر، موجود باشد حال آنکه متعلّق، با خود امر ثابت می شود.

جواب

عبادیّت ماموربه توسّط امر بما هو امر مستقلاً، ثابت نمی شود بلکه به کمک عقل ثابت است. بعد از تعلّق امر عبادی به یک متعلّق، عقل حکم می کند که باید قصد امتثال امر کنی. یعنی عبادیّت، توسّط دلیل عقلی است نه دلیل لفظی.

اشکال دوّم

فرمایش محقّق نائینی در باب أجزاء ماموربه قبول است ولی در باب شرائط نه؛ زیرا ماهیت شرط با ماهیت جزء، متفاوت است؛ زیرا در قید، قید و تقیّد هردو داخل در ماموربه است ولی در شرط، تقیّد، داخل در ماموربه است ولی قید، خارج از ماموربه است.

جواب

ملاک در مرکبات اعتباری، تقیّد است نه قید. مرکّب اعتباری را تقیّدها ایجاد می کنند نه قیدها؛ حصول قید در خارج، مقدّمه ی ایجاد این تقیّد است. هم وضو و هم رکوع و سجود، تقیّد را بوجود می آورند.

اشکال سوّم

این قول مستلزم اجتماع مثلین است زیرا طبق این قول، وضو هم واجب نفسی است و هم واجب غیری.

جواب

1.اجتماع وجوب نفسی و غیری، اجتماع مثلین نیست زیرا وجوب نفسی، مولوی است، ولی وجوب غیری، ارشادی است.

2.برخی اینطور جواب داده اند که: وجوب غیری در وجوب نفسی مندکّ می شود.

(پایان)

1. . (و التحقيق) في الجواب عن الإشكال ان يقال انه لا وجه لحصر منشأ عبادية الطهارات الثلاث في الأمر الغيري و في الأمر النفسيّ المتعلق بذواتها بل هناك امر ثالث و هو الموجب لكونها عبادة (بيان ذلك) ان الأمر النفسيّ المتعلق بالصلاة مثلا كما ان له تعلقا باجزائها و هو موجب لكونها عبادة لا يسقط امرها إلّا بقصد التقرب فكذلك له تعلق بالشرائط المأخوذة فيها فلها أيضا حصة من الأمر النفسيّ و هو الموجب لعباديتها فالموجب للعبادية في الاجزاء و الشرائط على نحو واحد. لا يبعد استفادة استحباب التيمم في نفسه لفاقد الماء من قوله عليه السلام التيمم أحد الطهورين بضميمة الإطلاقات الدالة على استحباب الطهر في نفسه‏. قد عرفت فيما تقدم ان الأمر المتعلق بالمقيد لا يكون له تعلق بنفس القيد أصلا و إلّا لم يبق فرق بين الاجزاء و الشرائط و لزم استحالة اتصاف الشرائط بالوجوب الغيري-

   أجود التقريرات، ج‏1، ص: 175 [↑](#footnote-ref-1)